

گزارش
زنان

عکس: AFP

شهر تهران انجام شده بود صحبت کرد و گفت که این پژوهش نشان می‌دهد بیش از نیمی از زنانی که به دلیل جرایم مالی در زندان هستند، به درخواست همسران شان چک کشیده‌اند. نتایج این پژوهش البته هیچ‌گاه به طور عمومی منتشر نشد. گفت‌وگو با زنان محکوم مالی و وکلایی که در همه این سال‌ها با پرونده‌های آنها سروکار داشته‌اند، نشان می‌دهد بیشتر این زنان، حبس مردان خانواده‌شان را می‌کشند یا حبسی که گاهی چندان هم حقشان نبوده و به ناچار در دام افتاده‌اند. بررسی‌های «هم‌میهن» نشان می‌دهد که حبس این زنان چند دلیل عمده دارد: تشریک مساعی زنان و مردان برای حل مشکلات مالی و اقتصادی خانواده و بعد در بیشتر موارد، ورود زنان به بازار کار و در دسرهایی به واسطه حیل، تقلب و دروغ همسرشان، آن‌هم به بهانه‌های مختلف و خلاف واقع مثل گرفتن دسته‌چک برای دادن ودیعه منزل، اجاره مغازه و... که غالباً هم خلاف واقع است. گفت‌وگو با ۱۰ نفر از محکومان زن مالی نشان می‌دهد، معمولاً زنان به اصرار شوهر یا مردی از خانواده‌شان، دسته‌چک‌هایی را دریافت می‌کنند و تمام آن را بدون اینکه بدانند چه عواقبی دارد، در اختیار آنها می‌گذارند. چک‌ها در بازار حراج می‌شود و همین می‌شود بدهکاری به چندین نفر، بعد از مدتی. این زنان و تعدادی از وکلا می‌گویند، همسران این زنان معمولاً در ادامه منکر می‌شوند که در این ماجرا دخالتی نداشته‌اند، بیرون از زندان به زندگی معمول‌شان می‌رسند و زنان با وجود اینکه بدهی ندارند، مجبور می‌شوند در زندان بمانند. وکلایی مثل محمدهادی جعفرپور می‌گویند، دلیل دیگر زندانی شدن این زنان، تلاش آنها برای استقلال مالی است. او در سال‌های گذشته زنانی را دیده است که به دلیل اختلافات خانوادگی وارد بازار کار شده‌اند، دسته‌چک گرفته‌اند و وقتی چک‌شان برگشت خورده و به زندان افتاده‌اند، همسرشان برای تلافی اختلافات و اینکه تلاش همسران‌شان را برای مستقل شدن بی‌ارزش کنند، به آنها کمک نکرده‌اند.

تعداد زیادی از محکومان مالی هم به دلیل فریب مردان بیرون از خانواده و سوءاستفاده آنها از رابطه عاطفی، به زندان می‌افتند. وکلای پرونده‌های مالی می‌گویند که بیرون از خانواده، مردان، این زنان را در دام حقوقی می‌اندازند. جعفرپور در سال ۱۴۰۰ وکیل پرونده‌ای بود که مرد به زن پیشنهاد داده بود در ازای سرمایه‌گذاری پولهایش در بازار طلا، دسته‌چکی بگیرد و سرمایه را با چک افزایش دهد؛ او به همین شیوه توانسته بود نزدیک به یک میلیارد تومان از آن زن ضمانت مالی بگیرد و بعد هم با اجرا گذاشتن همان چک‌ها، او را به زندان انداخته و شرط رضایتش هم این بود که همه آن طلاها را که زن خریده بود، به مرد بدهد.

دادن چک یا سفته برای استخدام شدن در کاری، یکی دیگر از دلایل زندانی شدن زنان به جرم «مالی» است؛ زمانی که زنان تصمیم می‌گیرند به جایی برای کار وارد شوند و کارفرما از آنها چک یا سفته می‌خواهد و زن برای اینکه اشتغالی پیدا کند آن را می‌دهد اما بعضی کارفرماها چک یا سفته را به عنوان ادای دین علیه آنها طرح‌دعوی می‌کنند و زن را با وجود اینکه بدهی ندارد، به زندان می‌اندازند. حقوق‌دانان این را بخشی از ناآگاهی جامعه می‌دانند که وقتی به کسی چک یا سفته می‌دهیم، در اصل خودمان را به او بدهکار کرده‌ایم؛ مگر اینکه در قراردادی یا بندی جداگانه نوشته شود که این چک یا سفته صرفاً برای حسن کار است.

▼ زهرا یک محکوم مالی است

اگر دقیق بخواهی بنویسی، باید بنویسی: زهرا را روز دوازدهم آبان‌ماه سال ۹۵ به زندان بردند. به او «تحصیل مال» زدند. حالا ۹ سال است که زهرا زندانی است. چهار سالش را «یک کله» و پشت سر هم زندان بوده و در سال‌های بعدش توانسته مرخصی‌هایی بگیرد و پی‌بدهکاری‌هایش بدود.

فرزانه و همسرش از ۱۴ سال قبل از ۱۳۹۵، مدیران یک خوابگاه

مردانِ گناهکار زنانِ زندانی

گزارشی درباره افزایش محکومان مالی زن
که بیشترشان حبس نزدیکان یا آشنایان‌شان را می‌کشند

الناز محمدی

دبیر گروه جامعه

در ایران بعضی خانه‌ها هستند که در آنها آدم‌ها مجبور می‌شوند خودشان را به دیگران ثابت کنند؛ همنشینی دوستانه و همدلی خانوادگی، می‌نشیند گوشه‌ای و برای اینکه بگویی «امن زن هستم و برای خودم کسی هستم»، مجبور می‌شوی بروی بیرون، دست به کاری بزنی، چکی بدهی، سفته‌ای امضاء کنی، تعهدات دیگران را بیاندازی گردن خودت و این آغاز ماجراست.

بعضی خانه‌ها هم در ایران هستند که ساکنانش با هر سال که می‌گذرد، با هر موجی که دریای گذران زندگی را آشفته می‌کند و با هر فشار جدیدی که به سفره‌های خانه می‌رسد، با هر صفری که می‌نشیند جلوی قیمت دلار و طلا، همه مجبور می‌شوند با هم کار کنند و دست آخر هم زورشان نرسد و چک‌ها برگشت بخورد و شاک‌ها بیایند در کوچه آبروریزی کنند و بچه‌های خانه ترسند و گریه کنند، مامورها برسند، دستبند روی دست‌ها قفل شوند و درهای زندان باز شود و یک تخت در گوشه از بند محکومان مالی بشود همه دار و ندار آنها که خیالشان را برای روزی پولدار شدن و رسیدن به «جایی»، بی‌واسطه و بی‌تعارف پرواز داده بودند. بعد چشم‌هایشان را بسته‌اند و ناگهان همه جاتاریک بوده است.

بند محکومان مالی در زندان زنان قرچک و همه زندان‌هایی که بند زنان دارند، پر از این آدم‌هاست؛ پر از زنانی که روزگاری خواسته‌اند دست‌شان توی جیب خودشان باشد، به شوهرشان برای هزینه زندگی کمک کنند، خودشان تنها سرپرست خانواده بوده‌اند و دست به کاری زده‌اند تا خرج بچه‌هایشان را بدهند، سفته‌ای داده‌اند، چکی داده‌اند برای سرمایه‌گذاری در بازار و بعد اوضاع به‌هم ریخته. شوهرهایشان پشت‌شان را خالی کرده‌اند، زیر بار امضاءها و چک‌هایی که از این زن‌ها گرفته‌اند، نرفته‌اند و دست آخر، وقتی آنها را برده‌اند زندان، طلاق‌شان داده‌اند و رفته‌اند پی زندگی خودشان.

این قصه زهرا، مانده، یگانه، فرخنده، مهدیه و بیشتر هم‌بندی‌هایشان در بند محکومان مالی زندان زنان قرچک، جایی محصور میان بیابان‌های زرد و قهوه‌ای گوشه‌ای از ورامین و دیگر زندان‌ها است. زهرا، مانده، یگانه، فرخنده و مهدیه که بعضی‌هایشان حالا آزاد شده‌اند، بعضی‌هایشان هنوز در بندند



سارا باقری
وکیل دادگستری:
**تعداد زنان درگیر
در جرایم مالی در
سال‌های اخیر افزایش
پیدا کرده است.
هرچند این افزایش به
صورت رسمی و با آمار
شفافی اعلام نمی‌شود.
یکی از دلایل این
افزایش آمار زندانیان
مالی زن، فشار و
بحران اقتصادی است
که روی زنان به‌ویژه
زنان سرپرست خانوار
وارد شده است**

و بعضی در مرخصی، وقتی می‌خواهند قصه‌شان را بگویند، نام «خواهران‌شان» از زبان‌شان نمی‌افتد؛ گویی گفتن روایتشان، بدون بازگفتن روایتی جمعی، بی‌معناست. اصلاً تک‌افغان، تک‌گویی و تک‌پاره تعریف کردن سرگذشت آدمی، بی‌گفتن از آنچه از سر دیگران می‌گذرد، خالی است. بی‌تاب و کسالت‌بار است و برای همین هم است که وقتی از سر شناسی یا پیگیری مدام، دستت به شنیدن و نوشتن قصه چند زن زندانی رسیده، باید مدال حال دیگران را هم بپرسی. حال همه آن حدود ۸۰ نفری که چون تعدادشان زیاد شده، به جای یک بند، دو بند از زندان زنان را به آنها داده‌اند؛ بند جدید، بند ۹ است؛ جایی مقابل فست‌فودی زندان، آنها که «قرچک» را دیده‌اند، می‌دانند بند ۹ کجاست. حکایت محکومان مالی از «زندانیان مالی» که کلاهبرداران را هم شامل می‌شود، جداست. تا همین چندسال پیش، قبل از اینکه کرونا بیاید و بسیاری از زنان در کارهای خانگی و غیرخانگی که راه انداخته بودند، ورشکسته شوند، تعداد «چک و سفته‌ها» اقتدر کم بود که یک بند از زندان را به‌زور پی می‌کردند اما حالا تعدادشان با کلاهبرداران مالی تقریباً برابر شده؛ به گفته یک منبع آگاه، تعداد «کلاهبردارها» در زندان قرچک ورامین، حالاً بین ۹۵ تا ۱۰۰ نفر است.

امسال هنوز تعداد دقیق زندانیان زن اعلام نشده؛ سال گذشته زهرا به‌رورآور، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری اعلام کرد، زنان سه درصد زندانیان در ایران‌اند. ۲۵ آبان ماه امسال بود که ستاد دیه کشور اعلام کرد استان تهران بیشترین زندانی زن مالی با تعداد ۱۸۴ نفر دارد. در رتبه‌های بعدی جدول آماری این ستاد، استان فارس و مازندران، هر کدام به ترتیب با ۹۶ و ۸۵ زن زندانی، قرار گرفته‌اند. اسدالله جولایی، رئیس این ستاد به تازگی اعلام کرده که ۷۳ درصد زندانیان زن، مادرند، جوان‌ترین زن گرفتار بند تنها ۲۰ سال دارد و مسن‌ترین زن زندانی، متولد ۱۳۱۴ است، با هشت میلیارد تومان بدهی که از سال ۱۳۹۷ در بند است. بر اساس اطلاعات ستاد دیه، ۲۴ نفر از زندانیان زن مدرک دکتری دارند.

تا به حال پژوهشی جامع یا ملی درباره دلایل زندانی شدن زنان برای محکومیت‌های مالی انجام نشده و چندان هم درباره اینکه این زنان، بیشتر حبس مردان خانواده‌هایشان را می‌کشند، صحبتی نشده. مهر ماه ۱۳۸۹ بود که معصومه ابتکار که آن زمان عضو شورای شهر تهران بود، گفت نیمی از زنان دارای محکومیت مالی به جای همسران‌شان در زندانند. او از نتایج پژوهشی که بر روی زنان زندانی



یک ممنوعیت
در سازمان محیط زیست

شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست با صدور دو بخشنامه، استفاده از ظروف یکبار مصرف پلاستیکی در این سازمان را ممنوع کرد. به گزارش ایسنا، انصاری با صدور بخشنامه‌ای به مدیران کل حفاظت محیط‌زیست استان‌ها اعلام کرده است که برای پرهیز از انجام تشریفات و هزینه‌های زائد، از تقدیم دسته‌گل و انجام هرگونه استقبال و تشریفات نظامی در زمان بازدید رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست و سایر مقامات سازمان از استان‌ها، خودداری شود. او در بخشنامه دیگری اعلام کرده است که برای حفاظت از محیط‌زیست و زیست‌بوم‌های طبیعی، کاهش تولید پسماند، ارتقای سلامت عمومی، همچنین الگوسازی برای گروه‌های مختلف جامعه و سایر بخش‌های دولتی و خصوصی، هرگونه استفاده از بطری پلاستیکی آب و ظروف پلاستیکی یکبار مصرف در تمام امور روزمره، جلسات، برنامه‌ها و مراسم مرتبط با سازمان و ادارات کل، اکیداً خودداری و تمام الزامات مدیریت سبز جلسات به‌طور کامل رعایت و تا حد امکان از چاپ‌بنر در مراسم خودداری و به جای آن از پوست‌های الکترونیکی استفاده شود.



۶۰ مدرسه پرخطر در تهران

مجید پارسا، مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران اعلام کرد، ۶۰ مدرسه پرخطر را شناسایی کردند که در سطح شهر تهران بیشترین آسیب‌های اجتماعی و شرایط خطرناکی دارند. به گزارش ایسنا، پارسا با بیان اینکه آموزش و پرورش شهر تهران با میانگین معدل پایه دوازدهم که شاخص سنجش اکثر استان‌هاست، رتبه دوم کشور را بعد از یزد دارد، ادامه داد: میانگین نمره ۱۲/۸ در معدل کتبی پایه دوازدهم را داریم و از مجموع ۴۰ مدال بین‌المللی که در المپیادها داشتیم، ۲۶ مدال مربوط به شهر تهران بود. به گفته او، مدارس زیر حد نصاب در موضوع میانگین معدل شناسایی شدند که ۲۳۰ مدرسه متوسطه دوم در سطح مدارس دولتی و ۱۸۰ مدرسه غیردولتی بودند. او اعلام کرد، شهر تهران با بیش از یک میلیون و ۲۵۰ هزار دانش‌آموز، ۵۸ هزار معلم شاغل در مدارس دولتی و کارمند رسمی، حدود ۲۵ هزار معلم شاغل در مدارس غیردولتی، ۴۶۰۰ مدرسه دولتی و غیردولتی، بیش از ۲۰۰۰ آموزشگاه زبان و کنکور و بیش از ۱۵۰۰ کودکستان، بی‌شک بزرگترین استان از حیث جمعیت دانش‌آموزی و جامعه‌درگیر است.



سوختگی ۸ برابری در ایران

علیرضا جلالی، مدیرعامل انجمن پیشگیری از سوختگی «ققنوس» اعلام کرد، سوختگی در ایران هشت‌برابر میانگین جهانی بروز دارد و بسیاری از اماکن عمومی، مراکز درمانی و آموزشی نالایم هستند. به گزارش ایلنا، جلالی در توضیح بیشتر این موضوع گفت: «بی‌توجهی جامعه و دولت به آموزش، استانداردسازی و رعایت نکات ایمنی، باعث‌شده پیشگیری از سوختگی در کشور مغفول بماند. «به گفته او در تقویم رسمی کشور، بر خلاف بسیاری از کشورهای جهان، روز یا هفته‌ای برای آگاهی‌بخشی درباره سوختگی اختصاص نیافته؛ «براساس پیشنهاد مشترک انجمن ققنوس و وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۷، روز اول دی‌ماه به دلیل افزایش خطر سوختگی در زمستان و نبود مناسبت دیگر، برای ثبت به عنوان روز ملی پیشگیری از سوختگی به شورای فرهنگ عمومی پیشنهاد شد، اما تاکنون به تصویب نرسیده است.»